

# حقیقت

شماره ۴۳ ۹ آبان ۱۳۵۸

# یادداشت‌های هفته

گروه‌های مشروعه‌چی یا ولا - هم آورده اند، تنها به سکوت برگزار  
یت فقیه‌ی ها ، که اغلب در حوزب - شده است . پرواض است که با وجود  
جمهوری اسلامی متشکل شده و در " شو - افرادی چون آیت‌الله بهشتی در پشت  
رای انقلاب " و کمیته‌ها و همچنین در همین آقایان و این واقعیت که  
مجلس خبرگان و زنه‌علی را تشکیل " ما م " همه اینها را بر سر کار گما رده  
میدهند و " ما م " را نیز با خوددا رند .

بیش از پیش آماج حمله‌ها و مخالفت - کردن قضا یا برایشان نمی ماند .  
های نیروهای سیاسی کا ملا گوناگون ولی در این میان رسوائی  
و همچنین خشمونا خشنودی روزافزون کردستان برای جماعت فقهی‌ای  
مردم مناطق مختلف شده اند . رسوائی با صلاح عادل و مدبران زهمه بالاتر  
آیت‌الله بهشتی بعنوان فردی جا - بود . گزارشگران می خودایشان به  
طلب و دارای سوابق همکار با " طا - کردستان . یعنی آقای مهدی بهاء  
غوث " و دستگاه طا غوث ، خمینی دران ، منصفانه‌بخشی از واقعیت  
را و ادا رساخت که از وجهه خویش برای را آشکار ساخت دستهای نا پاک  
تبرئه این عضو مشور شورای انقلاب ، و افرادی چون دکتر چمران و وزیر دفاع ،  
رئیس مجلس خبرگان خودا ستفنا ده ظهیرنژاد فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه و  
کند . لیکن درباره ما جرای رشوه - مثنی ملایان مرتجع و قشری مسلک  
خواری و خیانت روسای داسراری وادرا ما جرای های توطئه‌گرا نه‌ای که  
انقلاب اسلامی یعنی آقایان ها دوی به تحمیل جنگ بر مردم کردستان منجر  
و آیت‌الله آذری قمی ، که شرایط آزاد گشته است ، روگرد . بنا به گزارش  
دی بسیاری از عمال سرسپرده و جنا - بها دران افرادنا میرده در ببالا  
یتکا رژیم سابق را از زندان ها فرا فثودال های کردرا برای سرکوب  
بقیه در صفحه ۲

## این مجلس خبرگان منحل باید گردد

بیش از ۲ ماه از کار است که از عدل علی که چه بگوئیم از حکومت‌مان  
برگزاری این مجلس گذاشی میگذرد . دوران ساسانی هم نقشه بدتری برای  
هفتاد و چند نفر جا ه طلب ملت و سرتو - این ملت ریخته اند و راه دهه یک عده  
شت مملکت را به بازی گرفته اند و عین معدود خود سر را بر سر نشت مردم ایران  
خیالشان هم نیست . این مجلس خبر - حاکم کرده اند .  
گان و کارنا مه‌سایش تا بدین روز از کجا پیش بگوئیم ، از قوا -  
لکه ننگی است بر پیشانی انقلاب نین سرا پا ارتجاعی اش که حتی در حد  
ایران که ثمره ده سال مبارزه و بقیه در صفحه ۲  
مدها هزار شهید است . این مجلس ریل -  
کاران و دورویان است و هیچ ربطی  
بها انقلاب مردم ایران ندا رد و بهتر  
همان که دم و دستگا هش بسته و در شفته  
شود !  
دهها میلیون تومان از بیت  
المال ملت خرج این جمع شده ، وقت  
گرا نیهای مردم تلف شده و سرگردان  
کرده ، آمال و آرزوهای مترقیانه  
این ملت به مسخره کشیده شده و آبروی  
بزرگی که مردم ایران طی انقلاب بزرگ  
گشان در میان جهان نیا ن کسب کرده  
بودند بی برو برگرد ریخته شده است و  
با تصویب مثنی قوانین ارتجاعی و  
بی سروت دست و پای مردم را بسته و هر  
مخالفتی هم با چوب تکفیر و فساد سلام  
وضا انقلابی سرکوب می شود . حکومت

## جنگ و مذاکره در کردستان

کمی پیش از دوماه از حمله همه جانبه ارتش و پاسداران به کردستان میگذرد . بقدرت رسیدگان نویسن  
که در ابتدا با دستورات موکد " فرمانده کل قوا " بقول خودشان میخواستند ۲۴ ساعت !! کردستان را بیزیر مهمی بسز  
کشند ، دریا فتند که این کار بهمان سادگیها هم که فکر میکردند نیست و نخواهد بود . اینان همان " اشباح " همیشگی  
مرتجعین را مرتکب شدند و آن نادیده گرفتن قدرت مبارزاتی توده‌های مردم است که در طول انقلاب نشان دادند که  
از توپ و تانک و مسلسل باکی ندارند .  
اولین مشخصه مهم کردستان آنست که خلق دلیر کرد علیرغم همد فشارها و جنایت‌هایی که نیروهای  
مهاجم مرتکب میشوند تمام کردستان را به عرصه‌ای از مبارزه خونین توده‌ای در کنار مبارزات مسلحانه پیشمرگه -  
های کرد ، تبدیل کردند . تمامی شهرها به حالت تعطیل ، اعتصاب ، مبارزه و عرصه ضرب زدن به نیروهای مهاجم  
در آمده است . سنج یکبارچه در  
حال مبارزه بوده : دانش آموزان ،  
معلمان ، پیشه‌وران خرد ، پاپا و کارگر -  
ان دست در دست هم نهفت را گسترش  
داده اند ، تظاهراتهای وسیع توده‌ای  
( ۶۰،۰۰۰ نفری ) که بیش از نیمی از  
سکنه شهر میباشند برپا میگردند و  
خواستار حقوق ده خلق کرده‌ستند .  
مها باد حماسه آفریده است . جوانان  
شهر ، رکنار پیشمرگه‌ها . روزها جان را  
سیاه کرده اند . مردم قهرمان مها بنا د  
تملا تمامی مرکز مهم شهر را از وجود  
بقیه در صفحه ۴

## آقای بهشتی هنوز حاشا می‌کنید

بهبشتی از اطاق بیرون میرفت مسئول  
انتظامات زندان به آقای دکتر  
بهبشتی گفت : ما از کجا بدانیم که  
این تصفیه توطئه‌ای نباشد برای فرا  
ری دادن آن دستها ز جنا یتکاران که  
کس و کاری ندارند ؟ اینک بعد از  
گذشت چند ماه از تصفیه ما نتیجه کار  
را میبینیم و حرف آن برادر بیهوش  
بهبشتی به شما بیندگی از طرف شورای  
انقلاب برای تصفیه داسرای انقلاب  
از عناصری که خودسالها طعم زندان  
را چشیده بودند و در کوران مبارزه بی -  
ده اندیده داسرا آمدند بعد از جلسات  
متعددی که حرفهای ما بگوش میا -  
رکشان نرفت موقعی که آقای دکتر

بقیه در صفحه ۴

# حقیقت

یادداشت هفته

کشیده شده بود، جزا شاکردن در مورد چمران، ماست مالی کردن قضیه در مورد ظهیرنژاد و سکوت درباره آن دسته ملایان، که بدون شک منظور آقای بیها در آن افراد بود، چون ملاسنی مر - جمع نماینده ما مورثیس کمیته انقلاب اسلامی ارومیه و اتباع وهمکاران وی بوده اند، چاره دیگری برای مقامات قم و تهران نبود، لیکن باز تا با این حقایق در میان مردم همراه با افشاکری دائم نیروهای انقلابی این مقامات را در وضع بدی قرار داده است.

امروز که بسیاری از حقایق درباره ما هیت و علل بزوز جنگ در کردستان برای مردم روشن شده، مقامات قم و تهران از صلح و ممالح گفتمو میدارند و بدینسان عملاییه شکست خود در ماجرا جوئی کردستان اعتراف میکنند، آنان متوجه شدند که با همه توطئه دادن جوانان نا آگاه پاسداران و اعزام یک تیماروانی بنام خلخال برای زهرچشم گرفتن از مردم و با بمباران و آتش زدن دهات کرد نشین بدست ارتش نمیتوان از پس مردمی متحد برآمد.

ولی در اینجا دودوزه بازی میشود، از سوئی فروهر و هیئتی را برای صلح و ممالح به کردستان اعزام میکنند و از سوی دیگر مها باد را با کمک اشرار قبا ده موقت و افراد ارتش به محاصره میکنند و حوادث خونین مها باد را بوجود میآورند. البته این درست است که در میان گروههای صاحب قدرت در دولت و دستگاه بر سرچگونگی برخورد به مساله کردستان اختلاف است. افرادی چون فروهر، که امروز بعنوان پیک صلح روانه کردستان شده اند از ابتداء با لشکرکشی به کردستان همداستانی نداشتند و این از جمله

دلایلی است که فروهر را مرورا زینسز - دیکی اش با محافل ولایت فقیهی، که خروج وی را از جنبه ملی باعث شده، سر خورده است. در مقابل محافل راست افراطی و ضد انقلابی مانند دکتور چمران و باندا و آیت الله بهشتی و دا رودستاش، آیت الله منتظری و همدستانش و شخص خمینی، که دست و پا حمله به کردستان را صادر کرد، از ابتدا در پی اعمال زور و سرکوب جنگی و لشکرکشی به کردستان بودند و امروز نیز از خرابکاری در مذاکرات صلح در کردستان ابائی ندارند. از حرکت این گروهها بیش از همه سرسپردگان شاه مخلوع مانند شاکرها، فلاحی ها و ظهیرنژادها و همچنین بشکلی مو - ذیا نه تر افرادی چون تیمسار مدنی، که هر یک به شیوه و حیل های به مقامات فرماندهی در ارتش رسیده اند، حما - بیت میکنند. اینان همگی خواهان پیگیری سیاستهای نوع محمدرضا - شاهی در کردستان بوده و اصولا زدامن زدن به کینه توزی های ملی و حفظ تبعیضات ملی سود میبرند. اینان همگی تفاله های ذوق قدرت مانده رژیم منفور پهلوی هستند که امروز با رنگ عوض کردن صلح خود را در نخستن پای سفره روحانیون ولایت فقیهی و راست های ضد انقلابی بورژوازی می بینند ولی این بدین معنا نیست که تا آخر نیز با این ننان و نمکی که از این سفره منخورند و وفا دار نخواهند ماند. مساله آقای دریا دار مدنی یک ویژگی هم داره که بعدا خواهیم نوشت.

در مقابل ولایت فقیهییان با مشروع طلبان نوپای ما نیز بنا به منطق ارتجاعی نظریه سیاسی خود، با اتکاء به خرافات و جنبه های محاذ فظه کارانه و خیال پرورانه خورده - بورژوازی سنتی و خرده مالکان غیر - زحمتکش، هر روز بیشتر خود را در تنگنا و در برابر مخالفت دسته های تازه ای از مردم می بینند هر چه بیشتر و عمیق تر وارد همدستی و همکاری با تفاله های استبداد سابق میشوند. بعلاوه عده ای از روحانیون مانند بهشتی و دیگران و همچنین عده ای از تجار "مستضعف" که از برکت سر رهبری انقلاب "به مال و منال و شوکت و قدرت رسیده اند، نه تنها منافع مشترکی با با زمانگان "ظالم" بهم زده اند بلکه برای حفظ این مال و منال و قدرت و شوکت در برابر توده "مستضعف" واقعی خود را به همدستی با با زمانگان ظالم غوث نیامند می بینند و ولایت فقیه - پوشش مناسبی برای حفظ و توجیه شرعی تصرفات ایشان در "بیت المال"

## مجلس خبرگان

متعارف برای این مردم حقی قاضی نیست و آنرا برای یک مشت گوسفند شبا - له رو این یا آن مرجع پیش نمی داند. حتی نماینده خبره ای که خود از میوه چینان مفت خور است وقتی از اصل ۸۴ محبت میشود چنین میگوید که " ما مردم نمی توانیم خبرگان را مشخص کنیم، بهتر است بنویسیم با معرفی جامعه روحانیت، " ( به نقل از "انقلاب اسلامی"، ۱۷ مهر ۵۸). یا از بحث های بی سرو تهی از منطق حضرات آقایان بگوئیم که مردم برای شان ارزشی ندارند که هیچ، ضدی که یگر هم توطئه میکنند و هم دیگر را دست می اندازند. تا جای که هر کدا مشان که میخواهد نطقی کند، باید ثابت کند که خالصا مخلصا مسلمان است و کذا ...

این هیئت حاکمه خود سر فئودال - بورژوا منش، اول بار فرار اندک زمانی تعیین نوع حکومت را به مردم حقنه کردند بدون آنکه از محتوای آن چیزی روشن کنند. بعد هم وقتی که زمان تعیین ماهیت این جمهوری دم بریده رسید، با یک توطئه تحریک آمیز و هوچی گری خاص ملایان، بجای مجلس موسسانی که در زمان نه چندان دور گذشته قتلش را داده بودند، با تقلب و ریا و تکلیف شرعی کردن مردم، مثنی آخوند و چند تا شی کلاهی را بعنوان خبره ( خبره درچی، درگسول زدن مردم) دست و پا کردند و در کاخ سنای مجلسی برایشان ترتیب دادند. اینها هم از جمهوری دم بریده سر و شکمش را بریدند. و حال یک موجود ناقص الخلقه را بعنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی تحویل این مملکت میخواهند بدهند که معلوم نیست کی مسئول کیست، کی نایب و نام کیست، کی چه مسئولییتی دارد و مردم در این میان چکاره اند. مانده چهار دست و پای این موجود ناقص که انشا اله تا یکی دو ماه دیگر ادامه کار این مجلس خدمت آنها هم خواهد رسید.

استبداد در پس پرده دین که

خلق و قدرت سیاسی پس از رنگونی رژیم سلطنتی میباشند. همین ها هستند که پشت تصفیه خائنه داد - سراهای انقلاب و آزادی عمل سر - سپرده رژیم سابق از زندان های انقلاب و در مقابل به زندان افکنند انقلابیون و آزادیخواهان، به بند کشیدن مطبوعات مترقی و آزادی کشی در اقصاء نقاط کشور میباشند. همین ها هستند که این هفته در آنزلی

بقیه در صفحه ۳

ظالمانی میگفت، اتفاقا همین است که آقایان خبرگان مشغول تدوین آنند. سر نوشت مملکت بدست یک نفر فقیه سپرده میشود. زیر دست او مجلس خبرگان است، که وظیفه اش تعیین رهبر میباشد، در کنار آن شورای نگهبان است که هم وجودیواستبداد مواظب کار مجلس شورای ملی است، آنهم مجلسی که قبلا طبق قانون اساسی موصیبه مجلس خبرگان کنونی هیچ کاری جز اطاعت کورکورانه از امیال مشتکی آخوند فئودال منش ندارد و نمایند - گانش هم یقینا کسانی جز مشتکی دست چین شدگان دستگا خلافت گری ملایان نمی باشد. از قرا رئیس جمهوری نیز قرا راست وجود داشته باشد که بقول خود تدوین کنندگان قانون اساسی شخصی است علاف. تازه برای این هم یک نگهبان قرار داده اند که همان شورای نگهبان است. و اگر هم رئیس جمهور - شان مرتکب جرمی شود دستگا ه قضایی نیز او را مجرم تشخیص داد، تازه رهبر میتواند هر چه دلش خواست درباره عزل و با حفظ او تصمیم بگیرد. هیچ قانونی هم نمی تواند مگر با تأیید این شورای نگهبان که بطریقی خود زیر نظر " رهبر " است از طرف مجلس شورای ملی تصویب گردد. تازه قانونی هم که تصویب شود، مگر آقایان خود را لزوما پای بند آن میدانند. سالی که نکوست از بهارش پیداست. این قشریون مشروع چی و ولایت چی گان نوپا، امروز خود به حرفهای خود، به مصوبات خود پای بند نیستند، میخواهند به قوانین موصیبه مجلس شورا پای بند باشند؟

با این همه، با کمال وقاحت اعلام میکنند که ولایت فقیه با حاکمیت ملی مردم بر سر نوشت خویش تبا پنی ندارد! بعد هم میگویند که حکومت بر اصل شورا استوار است و کذا و یک قانون هم در قوانین اساسی تصویب شده که این امر را محرز میکند. که با یسد گفت، از جمهوری ای که اسلامی اش هم کردید، چیزی جز حکومت خانمانی فئودال منشانه باقی نگذاشته اید، حال چه به سراسر شورا خواهید آورد خدا دادند.

تاما می عمل کرد و کارنامه ننگین این مجلس خبرگان یک چیز را برای مردم روشن میکند. و آن این است که تا زمانیکه طبقه کارگر در اتحاد با دهقانان - یعنی کسانیکه با این انقلاب ساختن این جامعه بردوشان قرا رگرفته - متحد نشده اقسا مترقی مردم را بسوی خود جلب

بقیه در صفحه ۴

## در تکبیر و پیش حقیقت ما را یاری دهید



یادداشت هفته

خون برآه انداختند و بعد عقوبت نشستند و امروز هم در کار مذاکرات صلح در کرکستان اخلال میکنند، ولی اینهم یک واقعیت است که دولت با زرگان علیقمین اختلافات قنادریه جلوگیری از این اخلالگریها میباید و نمیکند، و نمیخواهد بکنند. زیرا دولت از اوج گیری دوباره جنبش دهقانان علیه فتودا لیا و شرار مزدور در کردستان بیم دارد و بیا خود مختاری محلی نیسز واقعا موافق نیست. قصد دولت کنسار آمدن با حزب دموکرات است، حال آنکه مردم کرد زمین و حقوق دموکراتیک خود را میخواهند. از اینروست که میگوئیم این بازی دوطرفه مذاکرات صلح از یکسو و محاصره میباید و خونریزی در شهرهای کردستان از سوی دیگر یک دودوزه بازی نیز میباید شد و خاکش آخربه چشم دودوزه بازی خواهد رفت.

در اینجا در برابر دستههای معینی از روحانیون و همدستان کشوری و لشگری آنها، که با شتاب و هرج و مرج کاری فراوان برای قبضه کردن قدرت در دست خود حرص و ولع نشان میدهند، یک مخالفت لیبرالی بسرعت رشد میکند. این مخالفت لیبرالی که از حمایت بخش دیگری از روحانیون ایران و در رأس آنها آیت الله شریعتمداری برخوردار است، در دستهای ما نند حزب خلق مسلمان، جبهه ملی، نهضت را دیگال و گروههای تا به بعد، نیروهای خود را جمع و جور میکنند. این دستهها بسرعت هواداران زیادی در میان استادان و معلمان و وکلای و طوکرلی جا مع روشنفکری بورژوازی و خرده بورژوازی غیر سنتی بهم میسز. زندوب برای جلب توده مردم و عقب زدن روحانیون امتیاز طلب و جناح مشروعه چی - یا بقولی انحصار طلبان - از پاره های شعرا های دموی کراتیک و مردم پسند برای جذب دادن به لیبرالیسم ما هیتا سا زکنا خود نیز بهره جوشی میکنند. ولی بایدا نست و بایداوری کرد که جناحی از محافظ داخل در اینان آشکارا از انفراد جاه طلب و خود فروشی تشکیل شده اند که دارای پیشینه زشت سیاسی در دستگای "ظا غوث" و با در حمایت بختیا رخا شن

میباشند، و با مخالفتی از سرسپردگان سیاست آمریکا و دلان امپریالیستهای اروپائی همدستی دارند. افرادی مانند فربدر رئیس سابق ستاد ارتش و همچنین "مخالفینا علیحضرتی" مجالس فرمایشی پس از کودتای ۲۸ مرداد و "انقلاب سفید" محمدرضا شاه با همین ها هستند. برخی فوکلای لیبرال در این گروه ما نند محمود عنایت و غیره با برخی خواستها و احساسات آزادیخواهان مردم با اصطلاح "لای روشنفکرانه" میزنند تا استعداد های به کسادی افتاده خود را (برائرسرنگونی "ظا غوث") دوباره بهیاد رسانند و آزادی برای عده ای دیگر بدست آورند. انقلابیون در عین بهره گیری از شرایط مساعدی که این مخالفت لیبرالی برایشان و برای توده مردم فراهم میسازد، تن به ظواهر و وضع ندادند و بایداورد مردم را از ماهیت واقعی این جریان بطور کلی و بویژه هوچیگری و حق به باسی مودیانه و بیو هوچیانه جناحی از این جریان آگاه گردانند.

هر ما سم چهلم در گذشت شادروان آیت الله طالقانی یکی از نمایندگان آزادیخواه بورژوازی در باره سر نوشت انقلاب ایران اعلام خطر کرد و گفت خطها قاطی گشته است. اگر چه او خود با توهم خود قریبنا از خط "امام" زقم التماس معجزه داشت که جواب خود را هم خیلی فوری شنید، ولی در ادعای او حقیقتی نهفته است خطها واقعا در همه سطوح حسی در جنبش کمونیستی ما هم قاطی شده است، و همین خطر بهره جوشی ابر قدرت ها و عمالشان را دو چندان میکند. پیش از هر چیز لازمست کمونیستهای واقعی ایران و همه انقلابیون و آزادیخواهان صفوف خود را مشخص و متحد کنند و از توهمات و درهم آمیختن با جریان - های مشکوک و غرض مند بپرهیزند. زیرا عدم اتحاد بویژه ما مشخص بودن صفوف و قرار نگرفتن هر نیرو در جای خود همیشه شرایط مناسبی را برای رخنه عمال ضد انقلاب و دشمنان واقعی و اصلی انقلاب توده های ایرانی فراهم میکند و صف پراکنده و مشخص نشده و قاطی شده هواداران آزادی و استقلال کشور را به سکوی پرش های سیاسی آنان، ایجا دا غتشا و سر درگمی در اذهان مردم و اجرای نقش های دراز مدت خود تبدیل میگردانند. انقلابیون بایداولا صف کاملا واحدی بوجود آورند و پرچم واحدی انقلاب را که مشروعه طلبان نوپا بدان خیانت ورزیده اند با قاطعیت بدست

گیرند و نگذارند هوشی های سیاسی و "آزادیخواهان" پس از سرنگونی استبداد مردم را به مجرای حاکمیت یا فتن عوام فریبی لیبرالیستی که جا روکش کودتا های امپریالیستی است سوق دهند. ثانیاً بایدا تمام صف های ظاهرا متحدی را که بر سر مسائل مختلف در زیر پرچم های ایدئولوژیکی مذهبی، لیبرالی، ملی گرانه و غیره در برابر هم صف آرائی کرده اند، همه را به دو تقسیم کنند. از جمله صف کردستان هم بایدا به دو تقسیم شود. صف های هواداران اسلام و مکتب داری شکل مذهبی هم بایدا به دو تقسیم شوند. زیرا همه این صف ها که در ظاهر از شاعران و روشنفکران پیروی می کنند در بیطن و در درون جریان های سیاسی متضادی را نمایندگی کرده، جریان حوادث واقعی آنها را بهم آلوده و مدتی وقت میگردانند از هم متمم بیزوجدا شوند. اگر انقلابیون آگاه ما به این مساله توجه نکنند دچار اشتباهات تاریخی گذشته خواهند شد، به نوسانات سیاسی بزرگی در میان نیروهای متخاصم و رقیب درجا معسز ما مبتلا خواهند گشت، ابتکار عمل بدستان نخواهد افتاد و بیک وزنه سیاسی و ملجاء و پناه اصلی توده جویای رهائی تبدیل نخواهند گشت؛ و در این میان راه برای کودتا های ارتجاعی و امپریالیستی هم مساعدر خواهد گشت.

ولایت فقیه یا حکومت روحانیون و شریعت در ایران امکان تشبیت یا بقای طولانی ندارد و همه بطور که حوادث چند ماهه اخیر نشان میدهد تنها به هرج و مرج در اقتصاد و سیاست جا مع و بپراکنیختن مخالفت از همه سوعلیه خود بایدا میدهد. روحانیون ولایت فقیهیی یا ناچارند عقب نشینی کنند و از این بازیها، که تنها آنها را به بازیچه های مضحکی در دست قدرت های امپریالیستی تبدیل میکنند، دست بردارند و میدان را ببنفج نیروهای دیگر که البته کشا کش سختی خواهد شد خالی کنند، و بایا آنکه در صورت استیصال و مواجه شدن با خطر انفرادی سیاسی به یک توطئه کودتای سیاسی برای حفظ قدرت در دست خود متوسل شوند. در اینصورت بتناچار با جناح شاه پرست و آمریکا ئی ارتش ما نند همین شاکرها و دیگران تشریک مساعی کرده برای احیاء استبداد کامل وارد عمل خواهند شد. البته در اینصورت مطمئنا بسرعت بدست توده انقلابی مردم ایران سرکوب خواهند شد. چنانچه همین کودتای مستی

طلانه ای در صورت وقوع آن در شرایط فعلی جا مع ما، امکان دوام و تشبیت خود را ندارد. آنچه انقلابیون بایدا به مدنند متحد کردن طوف خود، اعتماد به توده های عمیقاً انقلابی و تکان خورده سراسر کشور ما و اتکاء به شرایط ما - هیتا انقلابی جا مع ما است، که مصالح یک اعتلای جدیداً انقلابی را در بیطن خود همچنان پرورش میدهد. ولی در این میان برنا ما - های با دقت و ظرافت بیشتری نیسز برای سرکوب انقلاب ایران و انجام کودتا های ارتجاعی و خائنه در طول زمان تدارک میشود، که بویژه بایدا توجه انقلابیون ما را بسوی خود جلب کند. حرکت نوع رضا خانیه، که امروز یکی از ناهادهای شناخته شده شهمن آقای دریا سالارواستان را "دلیر" (بقول آیت الله منتظری) خوزستان مدنی مکار میباشد، همیشه راه مناسبتی برای ضایع کردن یک انقلاب که بدست اندازها و پراکنندگی قدرت دچار شده، بوده و میباشد. بایا از ابتدا ما هیت واقعی حرکت سیاسی فردی چون مدنی را - از همان روزی که استا ندر خوزستان شد - برای همه فاش ساختیم، غافلانی را که در چهره این فردیک عنصر "ضد امپریالیست" را میدیدند بخود آوردیم و گفتیم که این عوام فریب با اصطلاح ملی که خیلی دما زملت ایران و مخالفت با قرارداد های استعماری میزند ولی در عمل به سرکوب مردم و تحکیم قدرت خود می پردازد، سودای رضا خان شانی شدن را در سر دار دوست جا به طلب و مز دور مسلک است. امروز بی عمل و همدستانش سفارش کرده تا عکسها و را در بسیاری از شهرها بدیوارها بچسباندند و برای ریاست جمهوری او و سادهلوحان و فریب خوردگان را جمع کنند. برای افراد ما حب نفوذی چون مدنی (صاحب نفوذ در ارتش) و اطوارهای ملی نمایانه و حتی بازی با دموکراسی در برخی شرایط با گرتفتن حمایت از سوی محافظ و اشنگتن هیچ مابینتی ندارد و بپراحتی می تواند ما نورسیاسی در افکار عمومی ملت ما را با ما نورنیروی دریا ئی در برنا ما ناست تطبیق دهد. دیگر آنکه او به جلب حمایت همسایه شمالی یعنی همان وارثان تزارهای روس که هم اکنون به جناحیت و کشتار در افغانستان مشغولند، نیز بایدا راست و مسکودم افرادی چون مدنی را، که همیشه برای خود فروشی آمده اند، می بیند. بپهوده نیست که عمل مسکودم در کشور ما، یعنی حزب توده، درگرمات

# حقیقت

مجلس خبرگان  
نکند و انقلاب تا تمام راه سرمنسزل  
مقصود نرسا نند و وضعیت همین است و  
حتی بدتر .  
و بدین خاطر است که یکی از  
اولین خواست های مردم برای پیشبرد  
امروق ، بستن دکان این خبرگان

است و بس ، مردم میتوانند و با بددرطی  
گردهمائی های خود ، از طریق اتحاد  
یهه شان و هر محفل توده ای که در آن  
شرکت دارند این خواست را طرح کرده  
و در عملی کردن آن بکوشند . مبارزات  
خلق دلیرا بران با بیستی درعین طرح  
دیگرخواسته های انقلابی و پیشبردی  
امر مهما انقلاب با پیش اعلامیه ، صد  
ورقطعنا مه ، ارسال تلگراف هسای  
اعتراضی و بویژه طرح شعار مربوط به

بقیه از صفحه ۳- جنگ و مذاکره در کردستان . . . . . پاسداران پاک کرده  
و آنها را مجبور به فرار به کنام ارتش یعنی یادگان شهر نموده اند .  
شهرهای دیگر چون بوکان ، سر دشت و مریوان . . . نیز یکپارچه مبارزه  
است و درکنار این مبارزات وسیع توده ای ، ضربات جانانه پیشمرگه های کرد در دشت و کوهستانهای کردستان  
عرضه را برهما جمان تنگ کرده است . مهاجمان که در فکر تسخیر ۲۴ ساعته کردستان بودند ، خود را در دریایی از  
مبارزه که از هر سو بر آنها تاخته میشود ، یافتند . و همین امر مهم باعث گشت که جناحهای بیشتری از هیات حا-  
کمه خواب "پاکسازی" کردستان و تسخیر آنجا را فعلا بکناری گذارده و در پی رفع و رجوع مساله و بقول معروف  
مذاکره و "راه حل سیاسی" بجای "راه حل نظامی" بیفتند . عامل مهم این تغییر موضع هیئت حاکمه همانا مبارزه  
خونین و قهرمانانه خلق کرد بوده است .

انحلال مجلس خبرگان و تاسیس مجلس  
موسسان و یا هر نوع اقدام دیگری ، در  
این رابطه ، هر چه سریعتر تکلیفها بین  
مجلس را روشن نمایند .  
مردم ما خواهان مجلس فشو -  
دلها و همدرستان بورژوا یشان نیستند ،  
مردم ما خواهان مجلسی هستند که واقعا  
موسس باشد . یعنی چیزی را بنا نهند  
که نوین و سازگار با مریشرفات انقلاب  
با شونده ای که حکومت خلیفه و منان  
را بنا نهد مجلسی که به نسبت جمعیت  
طبقات مختلف خلقی - و نه دست چپین  
شده و فرما یقی - داشته باشد . مردم ما  
خواهان آنند که در رودسته مشروع  
چپان از صحنه سیاست و اجتماع ایران  
برکنار شده ، آزادی های دموکراتیک  
که انقلاب بگردانان نطفه بست ، به  
دست آید . مردم ما خواهان آنند که  
حاکمیت ملی واقعی بنا شود ، یعنی  
مردم ما کم بر سر نوشت خویش گردند ،  
یعنی دهقان صاحب زمین شود و از دست  
قیود و استثمات رفو دالی و نیمه فشو -  
دالی راحت شود ، کارگران ما بتول  
شندا تحادیه ها و سندیکا های واقعی  
خود را بنا کرده ، سطح زندگی شان  
واقعا ارتقاء یافته و در مسیر زندگی  
اجتماعی نقش تعیین کننده ای ایفا  
نمایند . تا دست ملاکان و سرما یه -  
داران کلان و وابسته به امپریالیسم  
از میهن ما کوتاه بشود و استقلال سیا-  
سی و اقتصادی واقعی بکف آید . شو-  
را ها ئی بوجود آید برانگیخته از جر-  
بان مبارزه و نه شورا ها ئی قلابی و  
دستوری که امروز شاهد تشکیل آنان  
از سوی دولت و مخالفت با آنان از  
سوی ملت هستیم .

در ابتدای حمله ، تبلیغات وسیعی بر علیه خلق کرد و سازمانها و شخصیتهای برجسته آنها چون  
شیخ عزالدین حسینی براه افتاد ، اما پس از مدتی که فهمیدند مساله کردستان با لشکرکشی و تبلیغات مزور-  
انه و نیش کشی و برانگیختن کاذب احساسات مردم حل شدنی نیست ، ابتدا مخفیانه و سپس علنا "هیئتهای  
حسن نیت" و "هیئتهای مذاکره" بجان کردستان گسیل شدند . آقای فروهر وزیر مشاور ، چندین بار با شیخ  
عزالدین حسینی و قاسملو بمذاکره نشست (اگرچه از طرف دولت تکذیب گردید که همه دروغ بودن آنها فهمیدند)  
نماینده نخست وزیر آقای زیبا کلام ناگهان از طرف حزب دموکرات "ربوده" میشود و ایشان در بیامیایی که ما در  
میفرمایند هیچ از "ربوده" شدن خود نگران نیستند و پس از "آزادی" میفرمایند: "اگر من تا قبل از این  
ما چرا به راه حل های سیاسی امیدوار بودم بعد از این ملاقات با سران حزب  
(دموکرات) مطمئن شدم که میتوانیم به راه حل های سیاسی برسیم . . ."

مردم میتوانند و با بددرطی  
گردهمائی های خود ، از طریق اتحاد  
یهه شان و هر محفل توده ای که در آن  
شرکت دارند این خواست را طرح کرده  
و در عملی کردن آن بکوشند . مبارزات  
خلق دلیرا بران با بیستی درعین طرح  
دیگرخواسته های انقلابی و پیشبردی  
امر مهما انقلاب با پیش اعلامیه ، صد  
ورقطعنا مه ، ارسال تلگراف هسای  
اعتراضی و بویژه طرح شعار مربوط به

و این اظهار امیدواری ایشان بی دلیل هم نیست چرا که سران حزب دمو-  
کرات نیز چراغ سبزرانشان داده اند: "اینها (سران حزب دموکرات) میگفتند  
با این حسن نیتی که از طرف شما نشان داده میشود ما فکری نمیکنیم که مساله و  
مشکلی در آینده بین ما باشد." (همانجا تا کید زما ست) بنا بر این از هر دو  
طرف ، جناحهایی سریع با این نتیجه رسیده اند که اما این جنگ بفتح هیچ  
یک از طرفین (یا بهتر بگوییم جناحهایی از طرفین) نخواهد بود . جناحهایی  
از هیئت حاکمه که حتی به این نتیجه رسیده اند که میتوان چیزی تحت نام  
بقیه در صفحه ۸

گفت تنها کارهای انقلابی پس از قیام  
را انجام داده است . و هم چنانکه باز -  
پرسان وقفات سابق دادسرای انقلاب  
در نامه شان ذکر کرده اند ، از آن پس  
دادگاهها انقلاب در دستان بی کفایت  
کسانی چون ها دوی و آذری قمی  
بیشتر به دادگاهها ضد انقلاب تبدیل  
گشت . دسته دسته مرتجعین بحکم این  
دادگاهها انقلاب تیرش گردیدند ، و  
بالعکس دسته دسته انقلابی به زندانها  
روان شدند ، اشخاص مرتجعی چون  
پاسینی دزد ، احسان نراقی مرتجع ،  
مهاجرانی مفسد ، سرهنگ عضدی قاچار  
با زبردان دستان ارتش ، امیندی  
معاون ثابتنی جلاد . . . از دادگاههای  
ها دوی و آذری قمی رهائی یافتند و  
بجایشان عده بیچاره و قربانی چا -  
معدای که بدست پاسینی ها و مهاجرا -  
نی ها و شرافی ها ساخته شده ، چون فوا -  
حش ، به جوخه تیرباران سپرده شدند .  
"دادگاهها انقلاب" به محل رشوه گیری و  
زبونبندی مرتجعین تبدیل گشت .  
تنها ارگانی که کاری شایسته کرده بود  
بدست جناح بهشتی و همپالگی هایش  
ها دوی و آذری قمی به یک ارگان غد -  
انقلاب بدل گشت ، ایلیای و ۶ میلیون  
تومان رشوه گرفت تا مرتجعی آزاد شود  
و خلخال آزادی یک شکنجه گر جلاد  
را در میا بادیه ۵۰۰ هزار تومان تاخت  
زد ، و اینها زافتخارات "مبارزاتی"  
جناح بهشتی که با بیستی به کثافت -  
کاریها و خیانت های ۲۰ ساله گذشته -  
اش افزود .

آقای بهشتی . . .  
بود: این تصمیم شورای انقلاب  
است و هر کس مخالفت کند مخالف خط  
امام است ."  
این واقعیات نه ادعاهای  
"منافقان" است و نه "نوطه" کمو -  
نیست ها و نه دسیسه های "چپ نما" های  
خیالی! این واقعیات را باز -  
پرسان وقفات تحقیق سابق دادسرای  
انقلاب اسلامی تهران گفته اند ،  
همانها ئی که بفرمان "شورای انقلاب"  
و بدست آقای دکتر محمد بهشتی ، این  
انقلابی نمای ضد انقلابی ، تصفیه  
گردیدند .  
چندی پیش که عده ای از دا -  
نشجویان مبارز مسلمان تا ریخچه -  
ننگین خوشگذرانیه و نرد عشق با ختنه  
های جناب بهشتی را با رژیم شاه  
مخلوع و کارشکنی های آگاهانه شان  
را علیه دانشجویان مترقی در آلمان  
غربی بر ملا ساختند ، ناگهان از هر سو  
دیوارهای حاشا بالارفت ، حزب جمهو -  
ری اسلامی که پته رهبر عظیم الشان  
روی آب افتاده بود ، این افشاگری

بحق را از جانب دانشویان مبارز  
مسلمان ، بطریق معمول به "فدا انقلاب"  
نسبت داد . اگر چه نتوانستند بسا نند  
جناب قطب زاده تا ریخچه ۲۰ ساله "مبارز"  
رزات" گویا درخشان آقای بهشتی  
را رو کنند ، ولی "آشنائی" های ۲۰ ساله  
از طریق بالاترین مرجع به گوش ملت  
فرورفت .  
حال ما نیمه دانیم یا ر دیگر  
چه میکنند و چگونه حاشا گری مینمایند؟  
تا ریخچه آقای بهشتی رشد و حال اقدام  
مات سوپر "انقلابی" ایشان از طرف  
با زبردان وقفات سابق دادسرای  
انقلاب بر ملا گشته اند ، حال معلوم شده  
که جناح بهشتی شیرین سخن که از  
پشت بلندقام مجلس خیمه شب بسازی  
فقها بسیار لفاظی انقلابی میکند ، جلو  
گیرنده تنها کار انقلابی بود که پس از  
قیام صورت گرفته است : اعدام عده ای  
مفسد ، مال مردم خوا رو مرتجع ، ایشان  
بما موریت از طرف "شورای انقلاب"  
(که معلوم نیست "شورای انقلاب" است  
یا شورای ضد انقلاب) نقطه پایان بر  
کار ارگانی گذاشت که بجز ات میتوان

# حقیقت

درباره سیاست ارضی

این قانون درباره مالکیت بر زمین چه میگوید؟ در ماده ۲ این قانون در این ارتباط چنین میخوانیم: "حقوق اشخاص بر اراضی دایر اعم از آنکه ناشی از احیاء اراضی، عقود و معاملات، انتقالات فهری و هم - چنین واگذاری خالصات و املاک یا تحت عنوان واگذاری اصلاحات ارضی باشد بر اساس قوانین موضوعه معتبر و لازم الی رعایه است" (متذکر میشویم که مواد ۲۲ - ۱۹ این قانون که درباره اراضی غیردایر است، در کلیت شبیه همان ماده ۲ میباشد، ولی ما از آنجا که هسته اصلی بحث در مورد زمین عمدتاً مربوط به اراضی دایر و یا زیرکشت که بهترین زمین ها میباشد، است در اینجا تمرکز را بر روی بررسی همین ماده ۲ میگذاریم).

با توجه به اوضاع و احوال مالکیت ارضی در روستا های ایران، بررسی این ماده چند نکته مهم را آشکار میسازد: بر طبق این قانون "املاک خالصات ارضی" رژیم وابسته و منقوری پهلوی نه تنها مورد انتقاد قرار نگرفته و طرف نشده است، بلکه با صراحت مورد تأیید و "معتبر و لازم الی رعایه" خوانده شده است!! بقول پورطباطبائی معاون وزارت کشاورزی - که در جواب اعتراضات عددهای درسمینا را خیرکشا ورزی گفت که: "قانون اصلاحات ارضی بنبفع کشاورزان است... به نظر من شما مثبت ترین نقطه قانون را مورد ایراد گرفته اید، این قسمت بنبفع بهره نداشت". (۱) (جمهوری اسلام - می - ۲۴ مهر ۱۳۵۸). "معتبر و لازم الی رعایه" خواندن "اصلاحات ارضی" امیریا لیس آمریکا در دوران رژیم پهلوی منحل پهلوی به این معناست که همان نظام ارضی دوران گذشته داد - مه یافته و بطور تمام و کمال احیا خواهد گشت، یعنی اراضی که توسط دهقانان در دوران انقلاب صادره گشت به تدریج از آنان پس گرفته خواهد شد و بر طبق سایر مواد همین قانون به مالکین و سرمایه داران بمنظور بهره برداری واگذار خواهد شد. و هم چنین آن دسته از بزرگ مالکین، که اراضی شان در دوران انقلاب صادره نشده، کماکان به استثنای رنیمه فئودالی خود ادامه

خواهند داد. از این قماش اندامثال ایزدی ها در فارس، مقدم ها در زنجان و... که بر هزاران هکتار زمین مالکیت دارند.

از سوی دیگر مالکین متوسط نیز راه را برای بزرگ تر شدن خویش فراهم می بینند. چرا که بر مبنای این قانون محدودیتی در مالکیت موجود نمی باشد. این نکته مهم، یعنی محدودیت مالکیت مدتی در شورای انقلاب مورد بحث بوده تا بالاخره برای تصمیم گیری نهائی به آیت الله خمینی ارجاع میشود. ایشان اظهار میدارند که در اسلام مالکیت محدود نبوده و بلکه فقط با باید مشروع باشد. بدین ترتیب با محدود نکردن مالکیت، نه تنها بقایای بزرگ مالکی حفظ گردیده است، بلکه مالکین متوسط نیز راه بزرگ تر شدن خود را قانونی و هموار می یابند.

از طرف دیگر در شرایط حفظ نظام ارضی گذشته، عدم تقسیم اراضی بین دهقانان کم زمین و بی زمین و بالاخره محدود نبودن مالکیت، خرده مالکین و دهقانان مرفه و میا - نه حال خود را در معرض نابودی می بینند، چرا که گسترش مالکیت های متوسط و بزرگ خواه ناخواه تا درجه زیادی بستگی به بیلغیدن زمین های این دسته اخیر دارد.

و بالاخره توده کثیر دهقانان کم زمین و بی زمین با بیدبختی "اصلاحات" امیریا لیستی دوران رژیم منحل پهلوی قانع و محدود بوده و حتی زمینهای را نیز که در دوران انقلاب صادره کرده اند بپس دهند. بیک کلام هم چنانکه ما در "حقیقت شماره ۴۰" گفتیم "... سیاست کنونی ارضی در مورد زمین برای دهقانان بطور خاص پس گرفتن زمین های دهقانی که در حین انقلاب از فئودال توسط دهقانان و شوراهای بدست آمده، و بطور اعمای همان سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی رژیم فئودال - کمپرادوری پهلوی که طی ۱۵ سال گذشته ورشکستگی آن ثابت شد، می باشد.

حال با در نظر گرفتن تصویر فوق از مالکیت بر زمین در روستا ها، نحوه بهره برداری قانونی و اسلامی از نظر قانون فوق چگونه است؟ ماده ۳ این قانون با صراحت تمام به این سؤال این چنین پاسخ میدهد: "حقوق اشخاص بر اراضی دایر توأم با مسئولیت و تکلیفی است که در مورد استفاده و بهره برداری مشروع از آن دارند، بهره برداری از اراضی دایر

اعم از آنست که شخصاً و مستقیماً امر بهره برداری انجام شود یا آنکه با استفاده از ماشین آلات و یا بکمک کارگر و برزگر و یا با انعقاد قرارداد از قبیل مزارعه و سیله اشخاص دیگر با اجازه مالک انجام شود" (تاکیدات از ما ست). بدین ترتیب از نظر قانون نویسان مسلمان و مشروع چی ما، بهره برداری از کار مستقیم دهقانان بر زمین، بکار بردن کارگر و استثمار نیروی کار و بالاخره استثمار دهقانان و برزگران از طریق مزارعه همه بهره برداریهای مشروعند!! یعنی هم کار طاقت فرسای دهقانان که کسبی را استثمار نمیکند و تنها متکی بکار خود خوانده خود هستند مشروع است و هم استثمار سرمایه داران و مالکین ارضی فئودال از کارگر و برزگران!!

بنابراین بر طبق این قانون هم مالکیت مشروع است و هم همه گونه شیوه استثمار، و از مشروعیت چنان (و همدستان بورژوازیان) هم انتظار بی بیش از این نیست که مشروعیت را هم در قدرت سیاسی (بصورت ولایت فقیه) و هم در مالکیت ارضی بر زمین و هم بر شیوه استثمار ارضی بطور همه جانبه اعمال و پیاده کنند.

در نتیجه در زمینه نحوه بهره برداری زمین در روستا ها، بر طبق این قانون عمومیت شیوه استثمار فئودالی و نیمه فئودالی حفظ و قانونی میگردد و شیوه مزارعه که از رایج ترین شیوه های استثمار رفتو - دالی طی قرون متمادی در ایران بوده است تثبیت و اسلامی معرفی میگردد. بنا گفته اند که علما و فقهای اسلامی از زمان صدور اسلام به ایران که مصادف با آغاز زورده نظام فئودالی در دوران ساسانیان بود، بتدریج به این شیوه استثمار رفتو دالی ایران عادت کرده و آن را در رسالات خود وارد نمودند، و بدین ترتیب این شیوه را به یک سنت اسلامی در نحوه بهره برداری از زمین تبدیل کردند. شیوه بهره برداری مزارعای، مقوله ای نیست که در قرآن از آن ذکر ری رفته باشد، ولی با تبدیل آن به یک سنت در اسلام (بهمراه قرآن) از جمله موارد تغییرنا پذیر اسلامی از نظر فقها ست.

خلاصه کنیم، با تصویب این قانون کذاشی، حقوق و منافع مالکین ارضی فئودال از جمله مالکین بزرگ و استثمار رفتو دالی و نیمه فئودالی

آقای بهشتی...

حاشا میکنند؟ حال با حزب جمهوری اسلامی و فقهائی که ولایت را در دست گرفته اند حاشا میکنند؟ آقایان! دیگر حنای "انقلابی" ناشی شاعرنگ ندارد، کوس رسوائی آن مجلس خیمه شب بازیان بصدادرآمده است، "شورای انقلاب"تان با آن درهای بی مانندی چون قطب زاده و بهشتی بیشتر به شورای فدا انقلاب میماند. آقایان در این وجه المله با زیبا و لفاظی ها، در این مجالس و شورا های قلابی را تخته کنید! ملت در زیر آن ماسکها، چه معم و چه مگلا، چه ره واقعی تان رامی بینند. مطمئن باشید که مردم زیرتان خواهند کشید، چون خون ندادند تا در دست زدن کهنه کاری برود و در دست زدن تا زهد دوران رسیده ای بیاید!



بخرج مالکیت دهقانی و استثمار از آن در اساسی ترین مسائل ارضی، یعنی مالکیت بر زمین و نحوه بهره برداری از آن که دوروی یک سکه از یک نظام ارضی هستند، حفظ و قانونی میگردد. قانون ارضی فوق استخوان بندی نظام ارضی نیمه فئودالی دوران رژیم منحل پهلوی را حفظ و تثبیت نموده و راه را برای احیای تمام و کمال آن که چیزی جز با زگشت بزرگ فئودال - کمپرادورها بر مسمند قدرت سیاسی در صحنه روستا ها نیست، بازمیکند.

ادامه دارد

دفاع از حزب... گفت که برخلاف ادعای فدائیان، حزب دموکرات مبارزه ملی را از مبارزه طبقاتی جدا نمیکند، زیرا "خود - مختاری" آنها نیز بهر حال دارای یک مضمون طبقاتی است. لکن مضمونی که نه بسود دهقانان و زحمتکشان کرد، بلکه بسود مالکان و قشار مرفه میباشد. علاوه بر این، باید پرسید چگونه حزبی که فدا میریالیست نیست اصولاً میتواند مبارزه ملی انجام دهد؟ ما در بخش دیگری از همین نوشته این مبحث را بیشتر خواهیم شگافت و انحرافات فدائیان را در همین زمینه با خواهیم کرد.

ادامه دارد

این مقاله در شماره ۴۴ پایان رسید.



دفاع از حزب ....

فدا ثیان در مقابل کار (شماره ۳۳) مواضع بیانییه نامبر...  
 را مواضعی که نتوانسته "تصویر واقعی و درستی از حزب دموکرات ارائه دهد" می نامند، اما هیچ جا روشن نمیکنند که با لایحه درجه مورد این تصویرنامه درست و غیر واقعی بوده است و چه انتقادی به آن دارند و آیا کماکان حزب دموکرات را یک نیروی "انقلابی" و "نماینده خلق کرد" به حساب می آورند یا نه؟ ما در بررسی نقطه نظرات فدا ثیان نشان خواهیم داد که این "انتقاد" جزیک انتقاد ظاهری و برای رها نشی از فشار توده های هوادار نبوده و آنجا نیکه فدا ثیان "تحلیل" داده اند، تفاوتی با آنچه در بیانیه شان گفته اند ندارند و بلکه به انحرافات آن نیز افزوده اند.

سیم اصلی بحث فدا ثیان در "تحلیل طبقاتی" از حزب دموکرات بگردان مساله میگردد که از آنجا که حزب دموکرات، حزب مارکسیستی یا طبقه کارگر نیست و حزبی است "خرد بورژوازی و بورژوازی" نباید خواستار مارکسیستی مورد بررسی قرار گیرد و با انتظار از یک حزب مارکسیستی نسبت به آن قضاوت شود. می نویسند "ما معتقدیم که حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایشات لیبرالی است و عموماً متکی به اقتدار متوسط خلق کرد... این حزب تا امروز در چهار - چوب کلی نیروهای جبهه خلق در ایران قرار داشته است... مبارزه ایدئولوژیک با آنان نه بر پایه تصحیح انحرافات آن از مارکسیسم - لنینیسم بلکه برای توضیح ماهیت خرده بورژوازی و دموکراتیسم غیر پرولتری حزب برای جنبش کمونیستی ایران است. برخورد کمونیست ها با حزب دموکرات با یدبریا به خط مشی و سیاست (تا کید فدا ثیان) آن حزب صورت گیرد و نه بر پایه مبارزه با "پورتونیسیم" درون آن (کار، شماره ۳۳، صفحه ۶)

اول اینکه "مارکسیستی" یا "غیر مارکسیستی" بودن حزب دموکرات، تا شیری در ماهیت آن گذاشته و توجیهی هم برای فدا

ثیان به حساب نمی آید و نیروهای انقلابی نیز بر پایه نامی که این حزب برخوردار است نسبت به آن قضاوت نمیکنند و مبارزه علیه این حزب نیز به هیچ عنوان آنطور که فدا ثیان می پندارند علیه "پورتونیسیم" درون آن نیست!! فیجوده و بلکه با کل آن و بر مبنای ماهیتش می باشد. بنا بر این بگذارید بحث را حول آنچیزی که با پیدایش دموکرات کنیم، ماهیت این حزب چیست؟ فدا ثیان در بیانیه - شان، این حزب را حزبی انقلابی میدانستند و حال میگویند حزبی است "دموکراتیک با گرایشات لیبرالی" و در "چهار چوب کلی نیروهای جبهه خلق". ما میگوییم حزبی است ارتجاعی و وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی. به بینیم کدام یک - برحق هستیم.

دموکراتیک بودن یک حزب هم زلحاظ طبقاتی و هم زلحاظ سیاسی دارای معنای معینی است که در چهار چوب آن تعریف میگردد. دموکراتیک بودن یک حزب از لحاظ طبقاتی (و در این مرحله از انقلاب، که مرحله دموکراتیک و فدا میری - لیستی است) بمعنی آنست که حزب فوق لاقابل منافع یکی از قشرها و طبقات دموکراتیک را نمایندگی نماید و موشی سیاسی و خواسته های این طبقه با خواسته ها و اهداف عمومی این مرحله از انقلاب باشد. دموکراتیک از دموکراسی ریشه میگیرد و به احزابی دموکراتیک میگویند که مدافع دموکراسی باشند. تا این حد را هر روشنفکر بورژوازی قبول دارد. اما برای مارکسیست ها مساله دموکراسی و دموکراتیک از این فراتر می رود. مارکسیست ها از دموکراسی صرفاً همان مفهومی را که پارلماناریست های بورژوازی قبول دارند نمی پذیرند. بدیده آنها، دموکراسی در آنکه هر کس هر چه خواست آزادانه بگوید خلاصه نمی شود و بلکه یک مضمون ریشه ای و طبقاتی دارد. دموکراسی چنانچه بخوایم از تعارف موری پارافراتو نهیم، در اساس بمعنای رها - ثی دهقانان از بیوغ مناسبات فئودالی و نیمه فئودالی و آزاد شدن آنهاست. بدون آزادی دهقانان و برهم زدن همه روابط ظالمانه ما قبل سرمایه داری، دموکراسی هیچ مفهومی ندارد و فقط یک فریب است، زیرا با زیر بنای جامعه، که اساس روبنای سیاسی جامعه می باشد کاری ندارد. در نتیجه فقط آن حزب و دسته ای را میتوان دموکراتیک نامید

میدکه مدافع بوجود آمدن پایه های اساسی دموکراسی، یعنی رها ثی دهقانان باشد. مارکسیست ها دموکراسی را با چنین معیاری محک میزنند. در شرایط کنونی کردستان تنها آن حزبی دموکرات است که از خواسته های به حق توده های دهقان حمایت نماید، اتحادیه های آنان را به رسمیت بشناسد، بر علیه فئودال ها مبارزه بر خیزد و شعارها را در دست و تقسیم انقلابی اراضی بزرگ مالکی را در دستور کار خویش قرار دهد. هر حزب، حتی اگر اعضاء آن خودشان از لحاظ طبقاتی هم خرده بورژوازی یا بورژوای ملی باشند، چنانچه این معیار اساسی را دارا نباشد، دموکرات نبوده و یا غیر دموکراتیک است و یا فدا ثیان بر مبنای چنین معیاری است که شیخ عزالدین حسینیی یک شخصیت دموکراتیک می باشد، زیرا او با رها حمایت خود را از خواسته های به حق خلق کرد و دهقانان ستمدیده اعلام نموده و مدافع اتحادیه های دهقانی می باشد.

آیا این معیار اساسی در مورد حزب دموکرات هم صدق میکند؟ نه بهیچ وجه. حزب دموکرات نه تنها مدافع دهقانان و خواسته های طبقاتی آنان نیست و نبوده، بلکه به نفع مالکان بر علیه دهقانان برخوایسته است و کم نیستند مالکانی که کسارت عضویت این حزب را در جیب دارند. ما در شماره های مختلف "حقیقت" سوالات متعددی از ماهیت فدا دهقانی این حزب را نشان داده ایم.

همین جا باید یک نکته دیگر را نیز اضافه کنیم. ماهیت یک حزب را خاستگاه طبقاتی اعضاء آن تعیین نمیکنند. احزاب رویزیونیست عموماً از کارگران (به ویژه مرفه) تشکیل شده اند، اما این احزاب، به حکم سیاست حاکم بر آنها و منافعی که نمایندگی میکند، احزابی بورژوازی هستند و نماینده بورژوازی در درون طبقه کارگر هستند. به همین ترتیب میتوان به "حزب جمهوری اسلامی" اشاره کرد که بسیاری از اعضاء آن از کارگرانند، لکن حزبی یکدست فدکا رگری است. به همین ترتیب برای شناختن ماهیت حزب دموکرات نیز لازماً نباید لیستی از اعضاء آن حزب و خواستگاه طبقاتی ایشان را در دست داشت، بلکه باید سیاست غالب بر آن و جهت گیری طبقاتی - سیاسی را شناخت و حزب دموکرات نیز علی رغم آنکه دهقانانی نیز در آن عضویت دارند (از روی نا آگاهی)، حزبی

فدا دهقانی و در نتیجه ضد دموکراتیک است. در مورد "فدا میریالیست" بودن این حزب نیز فکر نمیکنیم نیاز به مجادله زیاد باشد. حزب دموکرات با "قیاده موقت"، یعنی عامل آشکار و پنهان و چوچای امپریالیسم آمریکا و اسراشیل بهترین روابط را داشته و در درونش یک جناح قیادهای نیز وجود دارد و دیگر اینکه همین چند پیش این حزب در مذاکراتش با برخی از سازمان های انقلابی کردستان، اعلام نمود که به اسراشیل نیساید حمله شود (ما در اینجا از وابستگی حزب فوق به سوسیال امپریالیسم شوروی حرفی نمیزنیم که بهانه بدست فدا ثیان نداد به شیم). آیا حزبی که با عامل امپریالیسم آمریکا همکاری می نماید، حزبی فدا میریالیست است؟

برای فدا ثیان در دفاع از حزب دموکرات تنها یک برگ دیگر مانده است. حزب دموکرات مدافع "خود مختاری خلق کرد" است! خود مختاری چنانچه در تطابق با منافع زحمتکشان نباشد، صرفاً لفظی فریبنده است که بر علیه همین زحمتکشان بکار گرفته میشود. از مالکان بزرگ و سرمایه داران گرفته تا خرده مالکان و بورژوازی ملی و بالاخره کارگران و دهقانان، همه خواهان "خود مختاری" هستند. آنچه تعیین کننده ماهیت این "خود مختاری" است و نشان میدهد که آیا مترقی است یا ارتجاعی، مضمون طبقاتی آن میباشد. کمونیست ها از هر نوع "خود مختاری" دفاع نمی کنند آن نوع خود مختاری که به نفع زحمتکشان و انقلابیها شده و دهقانان را از بیوغ مالکان و کارگران را از بیوغ استعمار و روستا نه ترها ندیک خود مختاری ارتجاعی بوده و بر علیه انقلاب خلق کرده و هم خلقیهای ایران میباید و به همین ترتیب آن نوع "خود مختاری" که بدست حزب دموکرات سپرده شود، یک خود مختاری ارتجاعی بوده و همه انقلابیون ایران باید بر علیه آن مبارزه نمایند.

فدا ثیان خود به حزب دموکرات، "انتقاد" میکنند که این حزب "مبارزه ملی را از مبارزه طبقاتی جدا می نماید". اما خودشان مفهوم واقعی این انتقاد را نمیدانند و خود به همان راه میروند. جدا کردن مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی یعنی خالی کردن خود مختاری از یک مضمون انقلابی و خلقی، البته باید بقیه در صفحه ۹

مدنی، رضا خان...

افراد ساواکی و مرتجع و فاسد بعنوان مشاور مسئول در استان خوزستان "پرداخت میلیونها تومان بودجه بیت المال به روحانی نماها و شیوخ جهت تثبیت موقعیت تبلیغاتی شخصی".

"پرداخت هزینه های چاپ اعلامیه و بوسترهای تبلیغاتی ریاست جمهوری از بیت المال مسلمین".

"دستگیری مردم بیگناه و انجام چند اعدام سفارشی جهت تحکیم موقعیت سیاسی استان خوزستان".

"سیاست غلط استانداری در برخورد به مسایل منطقه موجب کشتار مردم خرمشهر و حوادث خونین این استان شد".

"حمایت علنی و رسمی استان خوزستان از شاهپور بختیار و جبهه گیری در برابر بروحانیت مترقی و جوانان مسلمان انقلابی".

"ایجاد کمیته استحفاظی از درجه داران و سربازان ارتش و پرداخت حقوق کلان و امکانات و استفاده از آنان بعنوان گارد جاویدان".

"اعزام افرادی به خارج از کشور جهت سخنرانی و پخش اعلامیه در رابطه با ریاست جمهوری مدنی در دانشگاه های اروپا و آمریکا".

"حمایت آقای صادق قطب زاده از استان خوزستان و سانسور خبرها و تبلیغات گسترده را دیووتلو-یزین بفتح ایشان".

"انقلاب اسلامی" - ۲۵ مهر ۵۸  
جناب تیمسار مدنی حساب همه کارها را کرده اند!! این جلاد مکار و حیله گر، این انقلابی نمای مرتجع و فاشیست بر نامه رسیدن به قدرت را خوب چیده است. اولا بمانند همه فاشیستها یک جنگ تبلیغاتی را با پول مردم آغاز کرده است، هیچ درو دیواری در سراسر کشور نیست که ده تا پوستر "رئیس جمهور مدنی" بدانها الصاق نشده باشد. پوسترهای مشغزکننده "مدنی امید آینده ایران" با یک عکس پروفورماتیک با نه جناب تیمسار در پیش و پتیرین مغازم ها خود نمایی میکند. دوست عزیزشان آقای قطب زاده، هیچ سخنرانی

ایشان را حتی در شیراز فرا نخوانمی کنند و در باره هیچ مسئله مهم مملکتی نیست که با دوماهی آقای قطب زاده به مصالحه با جناب تیمسار بروند. دستهای پلیدی در کار است تا مدنی جلاد را بمشابه "امید آینده ایران" به مردم جقنه کنند، جناب تیمسار حتی خارج از کشور را نیز از یاد نبردند و تیمهای تبلیغاتی به خارج از کشور صادر کرده است!! ثانیا آقای مدنی در عین بروز جلاد منتهی بیماند، خود را شخصی وجیه المله میسازد. بدستور شخص ایشان بیمارستان سیار نیروی دریایی به بنا در شهرهای جنوبی ایران سفر میکند و بطور مجانی بیماران را مداوا میکند. و این روی "مردم خرکن" آقای مدنی است.

ثالثا "تدبیر" و "کار دانی" خود را به طبقات مرتجع، مشروعه چیان قدرت طلب و لیبرالهای عاشق قدرت متمرکز مرکزی با کشتار خلق عرب، اعدام جوانان انقلابی خوزستان و بر کردن زندانها از مبارزین خوزستان نشان میدهد. کار به آنجا کشیده است که بقول فرماندهان مستعفی دشت آزادگان جناب تیمسار در راه این هدف به "دستگیری مردم بیگناه و انجام چند اعدام سفارشی جهت تحکیم موقعیت سیاسی خویش" دست میزنند و با بقول آقای حتی کرمانی در مورد انفجار مسجد خرمشهر " پنج نفر بدون حضور حاکم شرع از طرف دادستان نالایق و غیر شایسته آن زمان دادگاه انقلاب پس از زجرها و شکنجه های فراوان چونان شکنجه های ساواک به جوخه ادا م سپرده شدند که نه برای من نه برای استاندار رکه شاید تا به حال برای ادوی روشن نشده که چرا این هنر گشته شدند و جرم آنها چه بوده؟" (انقلاب اسلحه می - ۲۸ مهر ۱۳۵۸). ولی حال برای همه روشن شده است که "جرم آنها" دفاع از انقلاب بود و به این علت اعدام فرمایشی شدند که "موقعیت سیاسی" جناب تیمسار مستحکم گردد.

رابعا، جناب تیمسار میداند که برای بر نامه ها و نقشه های رضا خان بعدی، از جمله کودتا، احتیاج به نیروی نظامی تحت فرمان خود دارد. جناب تیمسار آنگونه رفتار میکنند که توگویی نیروی دریایی ملک طلق ایشان است و در تحت او و مرایشان. همچنین جناب تیمسار برخاطر محکم کاری دست به ایجاد "کمیته های استحفاظی از درجه داران و سربازان ارتش و پیران فوت حقوقی کلان و امکانات و استفاده از آنان بعنوان گارد جاویدان" نیز زده است. جناب ایشان هنوز شاه

دفاع از حزب...  
انتخابات گذاشتن شرکت نجستند و آنرا تحریم کردند، میگردیم و آنرا به حساب تنگ نظری و فرصت طلبی فدا ثیان میگذاریم که خود از مبلغین شرکت در این انتخابات ننگین و فرمایشی بودند و در نتیجه قبول این واقعیت که اکثریت خلق کرده ستود به این انتخابات و مجلس فرمایشی زده با منافع گروهی شان جسور در نمایا بود ما برای یک لحظه هم اگر گمان کنیم که همه خلق کرده هم به حزب دموکرات رای داده باشد، با زهم این دلیل "بر انقلابی" بودن این حزب و داشتن "نمایندگی" نیست، زیرا نماینده واقعی هر خلقی، آن نیروی است که منافع واقعی آن خلق را نمایندگی کند و کمونیستها برخلاف طرز تفکر بورژوازی فدا ثیان، محاسبات خود را بر پایه تعداد آراء استوار نمیکنند. هیئت ریز در انتخابات

نشده گارد جاویدان خود را نیز ساخته اند.

آری در پس ماسک "جمهوری خواهی" آقای مدنی، شاه مدنی خواهد بیده است. رضا خان میرپنج نیز با چهره "جمهوری خواه" و "ملی" بوسیله استعمارچی ها علم گردید و عسدهای لیبرال و گول خورده شاعر منط "من رضا و تورا... را به هوا بردند و آمد بر سرشان آنچه که میبایستی می آمد. و جناب تیمسار مدنی نیز از همه این نخ دانه کمال استفاده را می بردند و از هیچ حربهای در راه رسیدن، خزیدن بسوی قدرت اماندارند، از اتما دبا ساواکیها و مرتجعین بنام، تا منطبق کردن ما نور نیروی دریایی با ما نورنا و گانهای آمریکا در اقیانوس هندو...

مطمئنا مرتجعین آگاهان همه میدانند چه میکنند. و مطمئنا مشروعه چیان و لیبرالها نیز فقط جا ده صاف کن مدنی و امثال مدنی برای برپا ساختن دیکتاتور ری رضا خان، یا دیکتاتور فیاء الحقی و امثالهم هستند. و مطمئنا خائنین آبرو باخته ای چون سران حزب توده نیز که از "تدابیر و کجاستهای" مدنی درخوزستان و انزلی یاد میکنند سوسری با جناب ایشان دارند. اینان همه در پی یافتن یک مدنی برای تثبیت اوضاع هستند. ولی ملت ایران نباید در پس ماسکهای عوام فریبانه چهره های مرتجع و فاشیست امثال جناب تیمسار دریا دار مدنی را بشناسد، و گرنه بر او آن خواهد آمد که ۶۰ سال پیش توسط رضا خان میرپنج آمد!

بات قبیل از بقدرت رسیدنش "اکثریت آراء" را آورد و حتی بخش قابل توجه و عظیمی از طبقه کارگر آلما ن فریب او را خورد و از حزب با ملاح "سوسیا - لیستی" اش حمایت نمود. آیا این قاشیست نما بینده خلق آلما ن بود؟ فدا ثیان برای آنکه بتواند اثبات نماید که حزب دموکرات "نماینده" خلق گرد است، با ید بتوانند نشان دهند که این حزب منافع واقعی این خلق را نمایندگی میکند، آنها بسایند اثبات کنند که حزب دموکرات مدافع دهقانان استمدیده گردیده و خواهان انجام یک اصلاحات ارضی انقلابی و قطع نفوذ فئودال ها می باشد و از اتحادیه های دهقانان حمایت مینماید آنها با ید نشان دهند که حزب دموکرات مدافع رنجبران شهری گردستان، کارگران و خرده بورژوازی فقیر بوده و بر علیه سرمایه داران و تجار رشوتمند و امثالهم مبارزه مینماید. آنها با ید نشان دهند که حزب دموکرات ضد امپریالیست بوده و برای رهپاشی گردستان و همه ایران از سلطه همه امپریالیست ها و یادی شان (چون قیاده موقت) مبارزه مینماید. آری، فدا ثیان برای اثبات نمایندگی حزب دموکرات با ید میسائل بالا و بسیاری مسائل دیگر را اثبات نماید. ایند ما فدا ثیان چنین نمیکنند. زیرا بزبان و شیوه استدلال بسورژوازی با ما سخن میگویند و الا با این وضعیت درد نلک (البته دردناک برای فدا ثیان) مواجه خواهند شد که حزب دموکرات در هیچیک از موارد بالا نمایندگی ندارد و نیرویست مرتجع و وابسته.

از این گذشته، فدا ثیان در توضیح مواضعشان، به فرصت طلبی دجا ر شده اند. فدا ثیان استدلال می کنند که در "روزهای حساس" نمیخواهند سته اند با ارائه تحلیل نفاق افکنی کنند، یک سؤال بسیار ساده مطرح است، اگر وظیفه کمونیستها هدایت نهضت مردم، روشنگری و جهت داندن به این مبارزات، آنهم بویژه در "روزهای حساس" نیست، پس چیست و این کمونیستها به چه درد میخورند؟ کمونیستها با ید همواره با طرح صریح و بی پرده مسائل ما هیت همه جریانات را برملا کرده و به طبقه کارگر آگاهی دهند و میان این طبقه و همه جریانات بورژوازی و خرده بور ازی (وابسته و ارتجاعی که دیگر جای خود دارد) خط فاصل بکشند و هیچ بهانه ای مگر فرصت طلبی نمیتواند مانع انجام چنین وظیفه ای شود.

## درباره سیاست ارضی محافل حاکم کنونی ۲

بر زمین در زمان تنظیم و تصویب قانون واگذاری واحیای ارضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران "پر - دا ختیم، این قانون که در اواخر شهریور ماه از تصویب دولت موقت و شورای انقلاب گذشت، در کلیت خود نظام استعمار فئودالی، نیمه فئو - دالی حاکم بر روستاها را ایسران راقا نونیت بخشیده، راه را برای حفظ بقای ورگه‌های مالکیت بزرگ بر زمین با زگذا رده و بالاخره استعمار

مادر "حقیقت شماره ۴۰" به تحلیل و بررسی سیاست ارضی محافل حاکم کنونی در مورد مالکیت دهقانی

## دفاع از حزب دمکرات ۳ دفاع از ضد انقلاب است

هم‌نوائی با هیات حاکمه نخواهد بود" و چنین برخوردی "بی نهایت فرصت طلبان" بود. فدا ثیان ادا سه می‌دهند که "شرط صداقت انقلابی" به آنها حکم می‌کند که در برابر تلاش رژیم از حزب دمکرات دفاع نمایند و این دفاع را با "صراحت و روشنی تمام" بیان کنند و ایشان دفاع از حزب دمکرات را "وظیفه همه نیروهای مبارز و انقلابی" دانسته و آنرا "تنها موضع واقعاً پرولتاریائی" می‌شمارند. فدا ثیان در همین مقاله به موضع خود در قبال حزب دمکرات که در بیانییه مورخ ۵۸/۶/۴ انتشار یافته بود برخورد کرده و "می‌پذیرند" که "بیانییه کردستان نتوانست تصویر واقعی و درستی از حزب دمکرات کردستان ارائه دهد" و "موضع سازمان در باره این حزب دزدان نیروها عملاً مخدوش شد".

قبل از آنکه به تحلیل این طرز برخورد فرصت طلبانانه بپردازیم، ضروری است تا برای اطلاع خوانندگان اشاره‌ای به موضع فدا ثیان در بیانییه‌ها مبرده بنماییم و به بیانییه

۳ - فدا ثیان در بخش دیگری از مقاله‌ها نشان "مسأله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کرد جدا نیست" کار، شماره ۳۳، مهر ماه ۱۳۵۸) به بررسی حزب دمکرات کردستان پرداخته و مواضع خود را در مورد این حزب و همچنین ارتباط میان مبارزه ملی و طبقاتی در کردستان روشن کرده‌اند. فدا ثیان قبل از ارائه دادن تحلیل و موضع خود نسبت به حزب دمکرات کوشیده‌اند تا بنوعی مواضع قبلی خود را توجیه نمایند. می‌گویند که در سازمان نشان "در روزهای قبل از اوگیری تشنجات در کردستان ضروری میدانست که موضع خود را "در قبال تحلیل‌ها و خط مشی‌های سازمان‌های سیاسی کردستان" اعلام نماید. اما "بحرانی شدن اوضاع" و "لشکرکشی به کردستان"، "به درستی" به این نتیجه رسیدند که در این "روزهای حساس" هر تحلیلی که بیانه بدست نیروهای ارتجاعی وابسته به بورژوازی و خرده بورژوازی داده و وسیله محکومیت نهضت خلق کرد در سازمان‌های سیاسی آن قرار گیرد، "چیزی جز

فدا ثیان در همان "روزهای حساس" که نام می‌برند چه تصویری از بیانییه حزب بدست می‌دهند. در "بیانییه سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران در باره کردستان" (مورخ ۵۸/۶/۴ - شماره الف - ۵۵) می‌خوانیم: "اگر از آراء خلق کرد می‌پرسید آنها رای خود را به حزب دمکرات کردستان دادند و اگر نظر خلق کرد را در مورد بنام پندگانش مقدم نمی‌شماریدند آن مسأله‌ای دیگر است. چنانچه واقع بین باشیم، چنانچه به حقایق گردن نهیم با دید پذیریم که توده خلق کرد به سازمان‌های انقلابی خود اعتقاد دارند و آنان را نماینده خود می‌شمارند." و "به اعتقاد ما نتیجه پنهان کردن این واقعیت و هر نوع بی‌توجهی به مسأله، هموار کردن راه برای جنگ بی‌فرجام داخلی است. چنانچه اساساً معتقدیم با شناسیدن مسأله‌های سیاسی کردستان نماینده خلق کرد نیستند چگونگی خواهد بود. هم‌توانست از طریق مذاکرات و طرق سیاسی و نه نظامی مسأله کردستان را حل کنیم" و بالاخره "ما تنها راه

می‌کنند، ناگهان از آنزلی سردر می‌آورد، و آخرین جایی که ما سراغشان را داریم در مقدم بوده است. جناح‌های مشروعه‌چی و طرفدار رد و آتش ولایت فقیه نیز هر کجا دستشان رسیده از "تدبیر" و "کیاست" در یادار مدنی‌داد سخن می‌دهند و خواستار رکیب برداری از جناح‌های این ژنرال کارگزاران خوزستان می‌باشند. اما جناب ایشان چگونه بسوی قدرت می‌بخزند؟ اخیراً فرماندار دشت آزادگان در خوزستان، استعفا نامه‌ای منتشر کرده است و برخی از دلایل کنارگیری خویش را بر شمرده است که جداگانه ذکر می‌دهند. خوب توجه کنید:

\* "به کار گرفتن آگاهان که

عمومی و عمده آن را، هر چند بطور اجمال، مورد بررسی قرار دهیم، چرا که استخوان بندی مواد و موارد آن جنبه موقت نداشته و هما نظر که از نام و مضمون این قانون نیز فهمیده می‌شود، قانون نظام ارضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

حل مسأله فعلی کردستان را برسمیت شناختن سازمان‌های سیاسی خلق کرد قبول موجودیت آنها و تامین حقوق حقه‌ای میدانیم که در نظام منفسور پهلوی از خلق کرد و سایر خلق‌های تحت ستم ایران دریغ شده بود. (نقل قول‌ها همه از بیانییه فدا ثیان) در نتیجه می‌بینیم که برخلاف ادعای فدا ثیان مبنی بر ندادن "تحلیل" در روزهای "حساس" و امثالهم فدا ثیان در بیانییه‌ها مبرده که در بحبوحه جنگ منتشر شده است، دقیقاً به ارائه تحلیل پرداخته و موضع خود را روشن نموده‌اند. با استناد به بیانییه‌ها مبرده معلوم می‌شود که بدیده فدا ثیان، حزب دمکرات "سازمان انقلابی" و "نماینده خلق کرد" می‌باشد و بی‌توجهی به این واقعیت "کار را به جنگ کشا نیده و تنها راه حل نیز برسمیت شناختن این نماینده و مذاکره با آن می‌باشد. حال چرا حزب دمکرات نماینده مردم کردستان است؟ زیرا بدیده فدا ثیان، خلق کرده‌آراء خود را به حزب دمکرات داده و آقای قاسملو را برای مجلس خبرگان انتخاب نموده‌اند. فدا ثیان با زبان و استدلال بسورژوازی پارلمنتاریست با ما سخن می‌گویند. با این حساب بسیاری از مردم ایران رای خود را به "خبرگان" مجلس گذاشتند. داده‌اند و این "نمایندگان" نماینده این مردم هستند و بیانییه اصل را "مقدم" شمرده، ما از این واقعیت که اکثریت قاطع خلق کرد اساساً در

## مدنی رضاخان نانی چگونه بسوی قدرت می‌بخزد

چندی است که پوستره‌های بی نام و نشان در سراسر کشور، آنهم بظهور گسترده‌ای، دیوارهای شهرها را به لوث میکشند: "رئیس جمهور مدنی" و پاپوستره‌های دیگری در پشت و پرتین نمازه‌ها سبز گردیده‌اند: "مدنی - امید آینده ایران" و جناب دریادار مدنی نیز بروی خود نیاورده، و با حقیقت را بگوئیم خود نیز به این تبلیغات می‌دمد، و به سفرهای اتحالی

بای زیادی دست زده است. این ژنرال ارتش شاهنشاهی، چه در موقعیت فرمانده نیروی دریائی، و چه در موقعیت استاندارد رخواستان بهر کجا که دلشان خواست سفر میکند، در هر موضوع بی ارتباط با ایشان مدافع غلبه می‌کند و بی دربی نظرات خویش را در امور مملکتی می‌دهند. یکبار در خوزستان برای مردم خط و نشان می‌کشد، یکبار در شیرازها رت و بسورت